

مانویت

تات

میشل تاردیو

همراه با چهار مقاله دیگر

از آلبرت هنریکس، یوهانس وان اورت
و دن شاپیرا

ترجمه

سید احمد رضا قائم مقامی، زهرا مؤدب
سمیه فرجی، الهه گلستان



مانویت

تاردیو، میشل، ۱۹۳۸-م.

- Tardieu, Michel, 1938

مانویت/ میشل تاردیو و دیگران؛ ترجمه سید احمد رضا قائم مقامی، زهرا مؤدب، سمیه فرجی، الهه گلستان.
تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۳۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۶۷۳-۱

عنوان اصلی: Le Manichéisme, 1981.

مانویت

قائم مقامی، سید احمد رضا، ۱۳۵۶ -، مترجم

رده بندی کنگره: BT۱۴۱۰

رده بندی دیویی: ۲۹۹/۹۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۶۷۲۰

مانویت



میشل تاردیو

ہمراہ با چہار مقالہ دیگر

از آلبرٹ ہنریکس، یوہانس وان اورت

و دن شاپیرا

ترجمہ

سید احمد رضا قائم مقامی، زہرا مؤدب

سمیہ فرجی، الہ گل بستان



مانویت

میشل تاردیو و دیگران
ترجمه سید احمدرضا قائم مقامی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، زهرا مؤدب، سیمه فرجی، الهه گل بستان
صفحه آرای: فریدون سامانی - فریبا محمدپور
طراحی جلد: حمید باهو
مجموعه گندی شاپور (مطالعات ایرانی)
چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۵۵۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۶۷۳-۱
ISBN: 978-600-405-673-1
کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۵۰، طبقه چهارم
فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۴۸
فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت، مجتمع ایران مال، طبقه G3، شماره ۱۸۳
فروشگاه شماره سه: پاسداران، میدان هروی، مجتمع هدیش مال
فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته، آقابزرگی، باغ ریشه، پ ۳۱
تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۳۳۷ - ۷ - ۸۸۳۲۵۳۷۶
آدرس سایت: www.salepublication.com
آدرس اینستاگرام: [salepublication](https://www.instagram.com/salepublication)

تقدیم به استادان
محمدتقی راشد محصل
مهشید میرفخرایی

فهرست

۱۳	یادداشت ویراستار
۱۹	مشخصات کتابشناختی مقالات
۲۱	کلیات
۲۳	مانی (ترجمه سمیه فرجی)
۲۷	منابع
۲۹	مانویت (ترجمه سمیه فرجی)
۲۹	۱. تاریخ مطالعات
۳۱	۲. منابع اصلی
۳۷	۳. تبلیغات دینی
۳۸	۴. سازمان دینی
۴۰	۵. اصول عقاید
۴۸	۶. رستگاری و اخلاق
۵۰	۷. سرچشمه
۵۲	منابع

۵۵ مانویت (ترجمه سید احمد رضا قائم مقامی)

۵۷ مقدمه

۶۳ منابع

۶۵ یادداشت مترجم انگلیسی

۶۷ فصل اول: مانی

۶۷ زمان و مکان تولد مانی

۶۸ والدین مانی

۶۹ دین پدر مانی

۷۱ مقتله

۷۴ الخسای

۷۷ ندای فرشته

۸۰ مجادلات بر ضد الخسائیه

۸۴ مهر پیامبران

۹۲ سفرها و تبلیغات دینی

۱۰۰ سال‌های واپسین

۱۰۹ فصل ۲: آثار

۱۰۹ مانی چه می‌خوانده است؟

۱۱۳ آثار مانی

۱۱۳ شاپورگان یا شاپهرگان

۱۱۵ انجیل

۱۱۷ گنج یا کنز الأحياء

۱۱۹ رازها یا سفر الاسرار

۱۲۴ افسانه‌ها یا فراقماطیا

۱۲۷	ارژنگ یا صورت
۱۲۹	غولان
۱۳۳	نامه‌ها
۱۳۴	مزامیر و نیایش‌ها
۱۳۵	متون مقدس رسمی
۱۳۹	آثار آباء مانوی
۱۳۹	۱. تذکره‌ها
۱۳۹	دستنوشته مانوی کلن
۱۴۰	مواعظ
۱۴۱	اعمال
۱۴۱	۲. تفاسیر شرعی و اعتقادی
۱۴۱	کفالا یا
۱۴۲	مجموعه
۱۴۲	رساله
۱۴۳	سرودهای دینی
۱۴۳	زیور
۱۴۴	سرودهای ایرانی
۱۴۵	طومار سرودهای چینی
۱۴۵	۳. کتاب‌های راهنما
۱۴۵	خواستوانیفت
۱۴۶	منتخب عقاید و تعالیم مانی

۱۴۷	فصل سوم: امت مانوی
۱۴۸	سلسله مراتب امت مانوی
۱۵۵	قواعد اخلاقی راهبان
۱۵۸	۱. دستور اول
۱۵۸	۲. دستور دوم
۱۶۰	۳. دستور سوم
۱۶۰	۴. دستور چهارم
۱۶۱	۵. دستور پنجم
۱۶۳	قواعد اخلاقی نیوشایان
۱۶۴	۱. احکام و دستورها
۱۶۵	۲. نماز
۱۶۶	۳. صدقات
۱۶۷	۴. روزه
۱۶۸	۵. اقرار به گناهان
۱۶۸	مراسم دینی

۱۷۳	فصل چهارم: ایزدان
۱۷۴	داستان
۱۷۴	۱. زمان آغازین
۱۷۵	۲. زمان میانه
۱۷۵	الف. جنگ نخست
۱۷۷	ب. میان پرده ۱: جهان آفرینی روح زنده
۱۷۸	ج. میان پرده ۲: تکمیل خلقت جهان به دست رسول
۱۷۹	د. جنگ دوم
۱۸۱	۳. زمان آخرین
۱۸۱	خلاصه‌ای درباره ایزدان مانوی

دیوان	۱۸۳
تبار ایزدان	۱۸۴
پدر بزرگی	۱۸۴
۱. مادر زندگی	۱۸۴
۲. انسان قدیم	۱۸۵
۳. پنج پسر انسان قدیم	۱۸۵
آفرینش دوم	۱۸۶
۱. دوست روشنان یا حبیب الانوار	۱۸۶
۲. بانی بزرگ	۱۸۶
۳. روح زنده	۱۸۶
۴. پنج پسر روح زنده	۱۸۶
الف. زیور روشنی	۱۸۶
ب. شاه بزرگ وقار	۱۸۶
ج. الماس نور	۱۸۷
د. شاه فر	۱۸۷
۵. حامل	۱۸۷
آفرینش سوم	۱۸۷
۱. رسول	۱۸۷
۲. عیسی درخشان	۱۸۸
۳. دوشیزه روشنی	۱۸۸
۴. انسان کامل	۱۸۸
پنج اندام انسان کامل	۱۸۸
پنج گانگی	۱۸۹
وقایع مهم تاریخ مانویت پس از مرگ مانی	۱۹۷
منابع و مآخذ	۲۱۳

- ۲۱۷ ضمایم
- مانیخیوس، زیونددگ گریو و چند عنوان و اصطلاح مانوی دیگر (ترجمه الهه کل
۲۱۹ بستان)
- ۲۵۶ منابع
- ۲۶۹ مانی و مفتسله بابل: مواجهه‌ای تاریخی (ترجمه زهرا مزدب)
- ۳۰۳ یادداشت‌ها
- ۳۳۵ نمایه

یادداشت ویراستار

تبعات مانوی در غرب، مانند هر موضوع دیگری که ربطی با تمدن اروپایی و گذشته آن داشته باشد، چنان وسعتی دارد که صرف برشمردن کتاب‌ها و مقالات محققان غربی نیز در این موضوع دشوار است. مانویت در مشرق‌زمین و علی‌الخصوص در ایران نیز روزگاری اهمیتی داشته و چندین قرن جاذبه آن خواص و عوام از هر دین دیگر را به سوی خود کشیده بوده است و در اقصای شرق و غرب جهان تمدن دینداران بسیاری به جانب آن مایل شده بوده‌اند.^۱ تأثیر آن در گستردن گرایش به زهد و درویشی در ایران و عراق و غرب چین و شمال آفریقا احتمالاً کم نبوده است و مسلمانان نیز، که چند قرن بعد در دایره نفوذ ایشان وارد شدند، ناگزیر از این تأثیر برکنار نمانده بوده‌اند. بعضی محققان حتی مدعی شده‌اند که صابئه مذکور در قرآن نیز همین مانویه‌اند که مورخان اخباری از حضور آن‌ها در شبه‌جزیره و در بین قریش روایت کرده‌اند. این رأی درست باشد یا نباشد، در جاذبه‌ای که مانویت برای ساکنان ایران و عراق و

۱. مانویت آیینی غیرالهی و جعلی است. ادعای پیامبری مانی کذب است و این آیین با آموزه‌های اسلامی تضاد دارد. [ناشر]

نواحی اطراف داشته تردید نیست و علی‌الخصوص صوفیه به ظن قوی از بعضی آداب و اعمال ایشان یا شاید بعضی مبادی عقاید ایشان متأثر بوده‌اند و بعید است که دیگر فرقه‌ها و طریقه‌هایی که علی‌الخصوص در تتبعات ادوار جدید به ایشان گنوسیان می‌گویند، و مانویت را نیز در شمار آن می‌آورند، تا این اندازه در افکار عارفان مسلمان اثرگذار بوده باشند. زنادقه، که تا زمانی که مدارای اهل اسلام مانع از سرکوبی آن‌ها بوده جزئی از جهان فکری ایرانیان و مسلمانان بوده‌اند، بعضی به قطع از همین مانویان بوده‌اند و اینان غالباً در آن روزگار از خواص جامعه به حساب می‌آمده‌اند. با این همه، در تحقیقات ما مانویت چندان محل نظر و توجه نبوده است. تحقیقات مرحوم تقی‌زاده به‌درستی پی گرفته نشد و بر اساس بالنسبه استواری که او نهاده بود محققان بعدی جز اندکی نیفزودند. قصد از ترجمه کتاب مختصر میشل تاردیو، دانشمند فرانسوی، و مقالات دیگری که در این مجموعه جمع آمده اولاً به جهت آن بوده که کمکی باشد به دانشجویان تا مبادی و اصول مانویت را بهتر بشناسند و ثانیاً بدان جهت که وسیله‌ای باشد برای ترغیب محققان ایرانی به تتبعات تازه.

متن ترجمه این کتاب سال‌ها در گوشه‌ای افتاده بود و سبب اصلی آن مشغله نویسنده این سطور بود. از ترجمه مقاله آلبرت هنریکس حدود ده سال می‌گذرد و ترجمه کتاب میشل تاردیو، که بیش از هشت روز زمان نبرده بود، هشت سال معطل مانده بود. چند مقاله دیگر مدتی بعد اضافه شد. یک مقاله مهم از هانری شارل پوئش نیز جزئی از این مجموعه بود، ولی چون نیازمند بعضی اصلاحات بود و به علاوه بسیار مفصل بود، چاپ آن به نوبتی دیگر، در یک رساله مستقل یا یک مجموعه جدید، موکول شد. از مترجمان مقالات، مخصوصاً سرکار خانم مؤدب، عضو هیأت علمی دانشگاه مشهد، که نتیجه کارشان سال‌ها بی‌اثر مانده بود عذر

می‌خواهم و از اولیاء نشر ثالث، مخصوصاً دوست و همدرس سابق، سرکار خانم مساوات، که نشر این کتاب مرهون لطف ایشان است، خالصانه تشکر می‌کنم.

تذکر چند نکته نیز درباره بعضی خصوصیات این ترجمه لازم است:

۱. بعضی اعلام، مخصوصاً نام ایزدان، با توجه به اصل (مثلاً سریانی یا یونانی) آن‌ها ضبط شده‌اند و اگر اختلافی میان ضبط آن‌ها در این کتاب و کتاب‌های محققان پیشین ایرانی هست از این‌جاست. در ضبط بعضی نام‌ها صورتی که در متون فارسی میانه یا پهلوی اشکانی آمده به سبب آشناتر بودن ترجیح داده شده است. ضبط آرمانی به جای آرامی یا اندک ضبط‌های نامأنوس دیگر تابع اصول یا شواهدی است که در جای خود شرح داده خواهد شد.

۲. چون ضبط و تلفظ نام ایزدان مانوی به زبان‌های سغدی و اویغوری و قبطی (و گاه حتی فارسی میانه و پهلوی اشکانی) دشوار است و خواندن آن‌ها برای همه خوانندگان آسان نیست، نام این ایزدان را به صورتی که آشناتر بوده ضبط کرده‌ایم.

۳. کلمات سریانی را غالباً آوانویسی نکرده‌ایم و به حرف‌نویسی اکتفا نموده‌ایم، مگر زمانی که مؤلفان خود هر دو صورت را آورده باشند یا زمانی که آوانویسی در فهم مطلب تأثیر عمده دارد. در کنار نام‌های سریانی گاه صورت عربی یا یونانی آن‌ها نیز آمده است و این کار را بر خواننده قدری آسان‌تر می‌کند (صورت‌های عربی ممکن است در اصل کتاب و مقالات نباشد و افزوده ویراستار باشد). ویراستار امیدوار است در ضبط کلمات سریانی زیاده دچار خطا نشده باشد.

۴. ترجمه بعضی عبارات گاه عین متن فرانسوی و انگلیسی کتاب نیست و این زمانی است که به اصل متن‌ها (مخصوصاً متن‌های فارسی و

عربی و فارسی و پهلوی اشکانی) رجوع شده است. اختلاف میان ترجمه و اصل در آن مواضع به این سبب است، ولی اختلاف اندک است و بیش‌تر در لفظ است.

۵. در ترجمه کتاب تاردیو نسخه انگلیسی مبنا بوده است، به دو دلیل: مترجم زبان انگلیسی را بهتر از فرانسوی می‌داند و نسخه انگلیسی اضافات و اصلاحاتی دارد که در متن فرانسوی نیست. با این حال، تحریر اول فرانسوی نیز پیش چشم بوده، علی‌الخصوص که ترجمه انگلیسی نیز گاه خالی از بی‌دقتی نیست. در اندک عباراتی از کتاب، اختلاف ترجمه فارسی و انگلیسی به این جهت است. در روزهای آخر تصحیح نمونه‌های چاپی، نسخه‌ای از تحریر جدید فرانسوی به دست آمد. چند عبارت مورد شک را فرصت کردیم که با آن تحریر نیز بسنجیم. (این را نیز لازم است بگوییم که چند صفحه از آغاز کتاب تاردیو ترجمه محسن قائم‌مقامی است.)

۶. ضبط اعلام یونانی، مثلاً نام شاگردان مانی، غالباً به اشکال آشناتر، عربی یا سامی یا ایرانی آن‌ها تغییر کرده، ولی صورت یونانی نیز در پاورقی قید شده است. ضبط کلماتی مانند *آیون* و *ارخون* یا *ارکون* نیز ممکن است با آنچه در نوشته‌های پیشین فارسی آمده فرق داشته باشد و این مطابق بعضی اصول است و بی‌ضابطه نیست، مانند کلمه اخیر که در عربی به همین دو صورت *آرخون* و *آرکون* (جمع آن‌ها: *اراخنه* و *اراکنه*) استعمال داشته است. در ضبط معادل کلمات *gnosis*, *gnostic* و *gnosticism*، گنوسی بر غنوصی و غنوصیه ترجیح داده شده است.

۷. ترجمه بخش مانی از کتاب *الفهرست* ابن ندیم عمدتاً از کتاب مرحوم دکتر ابوالقاسمی، مانی به روایت ابن ندیم، نقل شده است.

۸. در ترجمه متن‌های ایرانی در کتاب تاردیو گاه مختصر سهوهایی هست. این موارد را تصحیح کرده‌ایم و اگر اهمیتی داشته تذکر داده‌ایم؛ اگر چندان مهم نبوده، بی آن‌که تذکر دهیم تصحیح کرده‌ایم.

۹. در شیوه‌ انشاء مترجمان مقالات برای هماهنگی و سازگاری میان اجزای کتاب گاه تغییراتی داده شده است. تمامی ترجمه‌ها با اصل مقابله شده و اگر خطایی باشد، که امیدواریم اندک باشد، بر عهده ویراستار است. ۱۰. خوانندگان حتماً به سال تألیف کتاب تاردیو و مقالات دیگر توجه دارند. اگر تناقضی در اجزای کتاب هست، اگر ناشی از اختلاف نظر اساسی مؤلفان نباشد، ممکن است در نوشته‌های جدیدتر رفع شده باشد.

۱۱. ویراستار به‌ندرت بعضی آراء نویسندگان را تصحیح کرده است. تصحیح بعضی جزئیات دیگر هم برای او ممکن بوده، ولی تذکر آن جزئیات ممکن بود قدری کتاب را آشفته کند و بر یادداشت‌های آن بیفزاید. به عبارت دیگر، ویراستار در نقد آراء نویسندگان مقالات جز به‌ندرت وارد نشده است (حتی در نقد آراء آقای شاپیرا که گاه بی‌جهت وارد در معقولات شده است)، چون نیازمند مطالعات وسیع بوده و این علی‌العجاله از عهده او خارج است. در کتاب‌ها و مقالات این مجموعه در مواردی نه اندک می‌توان به تحقیقات جدیدتر نیز رجوع داد، ولی این کار نیز اولاً احاطه بر کل مطالعات مانوی را می‌طلبد و ثانیاً خود کاری است مستقل و بیرون از حدود ترجمه این کتاب و مقالات. در یادداشت‌هایی که به اسم ویراستار و به جهت روشن شدن بعضی مطالب در حاشیه اضافه شده معمولاً از ارجاع به تحقیقات دیگران پرهیز شده است. این یادداشت‌ها متوجه خوانندگان عمومی‌تر است و محتوای آن‌ها بر اهل فن روشن است.

۱۲. شیوه ارجاع مقالات و شیوه تنظیم منابع آن مقالات به همان صورت که در اصل بوده رها شده و یکدست نشده است. در مراجع مقاله آقای شاپیرا نایکدستی کم نبود. تا حدی اصلاح شد.

۱۳. در ترجمه منقولات از کفالا یا گاهی که اختلاف میان ترجمه قدیم

آلمانی و ترجمه جدیدتر انگلیسی نسبتاً زیاد است، از ترجمه جدیدتر پیروی کرده‌ایم. اختلافی که میان متن انگلیسی کتاب تاردیو یا مقالات دیگر و ترجمه فارسی در مواضع نقل از کفالا یا هست از این جاست.

۱۴. در جاهایی از کتاب از [] استفاده شده است. این علامت غالباً از اصل است و به ندرت از مترجمان فارسی.

۱۵. کلمات و عبارات متعدد یونانی در دو مقاله پایانی کتاب غالباً به خط لاتینی نقل شد که هم خواندن آن آسان‌تر شود هم از اغلاط چاپی پرشماری که در نوبت‌های اول نمونه‌خوانی وارد متن شده بود پرهیز شود. باید اعتراف کرد که در این انتقال کلمات یونانی به خط لاتینی بعضی ظرافت‌ها، مانند تکیه کلمات، همیشه مراعات نشده است.

سید احمد رضا قائم مقامی

دانشگاه تهران

اردیبهشت ۱۴۰۰

مشخصات کتابشناختی مقالات

۱. دو مقاله نخست، «مانی» و «مانویت»، ترجمه است از مدخل دانشنامه زیر:
Johannes van Oort, "Mani" and "Manichaeism," in W. J. Hanegraaff *et al.*
(eds.), *Dictionary of Gnosis and Western Esotericism*, Brill, 2006, pp. 756-765.

۲. مقاله دن شاپیرا از این مأخذ است:
Dan Shapira, "Manichaios, *Jywndg Gryw* and Some Other Manichaean Terms
and Titles," in Sh. Shaked and A. Netzer (eds.), *Irano-Judaica* 4, Jerusalem,
1999, pp. 122-150.

۳. مقاله آلبرت هنریکس از این مأخذ است:
Albert Henrichs, "Mani and the Babylonian Baptists: A Historical Confrontation,"
Harvard Studies in Classical Philology 77 (1973), pp. 23-59.

کلیات

مانی

مانی، بنیانگذار مانویت، دین جهانی گنوسی، در جنوب بین‌النهرین، در نزدیکی شهر تیسفون بر ساحل رود دجله به دنیا آمد. منابع اصیل کمابیش قابل اعتماد مانوی درباره زندگی او نسبتاً متأخر و اندک‌شمار است. اکنون ظاهراً مسلم شده که نام پدرش پتیگ (Pattīg یا Pattēg؛ به یونانی Patikios، به لاتینی Patticius، به عربی فتق) بوده است و نام مادرش مریم یا میریام. مسلم نیست که نسب مادر مانی حقیقتاً به اشکانیان می‌رسیده که در زمان تولد مانی هنوز بر سریر قدرت بوده‌اند؛ به احتمال بیش‌تر ادعای شریف‌زادگی مانی چیزی نیست جز افسانه‌هایی که پیروان او از سر صفای نیت ساخته‌اند. اما روایتی به دست است که قابل اعتماد است و به‌تازگی هم دوباره بر آن مهر تأیید زده شده و آن روایتی است که در الفهرست ابن‌ندیم آمده و می‌گوید که مانی از خردسالی در میان جماعتی از مغتسله نشو و نما کرده است. دستنوشته مانوی کلن^۱ (مثلاً صفحات ۹۴-۹۷) تأیید می‌کند که اعضای این فرقه از مغتسله گروهی بوده‌اند از فرقه «الخصائیه»^۲. بنا بر

۱. نام این نسخه به صورت تحت‌اللفظی «نسخه مانی کلن» است. اینجا «مانوی» ضبط شد که خوش‌آهنگ‌تر است. - و.

۲. در این کتاب این ضبط ترجیح داده شد. نام رهبر فرقه با «کسای عربی هم‌ریشه است. در ←

دستنوشته مانوی کلن، از آداب این مسیحی-یهودیان این بوده که هرروزه تن خود و میوه‌هایشان را غسل دهند؛ اهل فرقه دین خود را «قانون» می‌نامیده‌اند؛ بر رعایت مراسم «سبت» اصرار می‌ورزیده‌اند؛ مکرراً به سنن نیاکان رجوع می‌کرده‌اند و با این همه عیسی را «مسیح» یا «منجی» می‌شناخته‌اند.

همین تعلق به محیط یهودی-مسیحی الخسائیه ممکن است بتواند علت پیوند مانی با مسیحیت گنوسی را معلوم کند. منشأ زهد سختگیرانه و فرجام‌شناسی او را نیز، که سخت متأثر از عقاید یهودی-مسیحیان و اهل زهد (Encratite) است، می‌توان در همین جا یافت. به الخسای منسوب است که زمین «گوشت و خون سرور من است» (دستنوشته مانوی کلن، ۹۷، ۹-۱۰). این عقیده را می‌توان اساس عقیده مانویان درباره عیسی دانست، عقیده به «عیسی رنج‌کش» در سراسر جهان (*Jesus patibilis*). ظاهراً مانی و شاگردان نخستین او عقیده به ظهور پیامبر راستین در ادوار مختلف را نیز از یهودی-مسیحیان گرفته‌اند (قس دستنوشته کلن، ۴۷، ۱-۷۲، ۷). به‌علاوه، احتمال زیاد می‌رود که مانی در زمان زندگی در همین فرقه با احکام نجوم آشنا شده بوده که مخصوصاً در کیهانشناخت او نمود دارد.

دستنوشته کلن نشان می‌دهد که مانی در آغاز می‌خواسته پیامبر مصلح الخسایان شود و از همان کودکی بر او وحی‌هایی وارد می‌شده است. «توأم» یا جفت آسمانی او (syzygos) در آغاز بیست و پنج سالگی وحی مخصوصی بر او نازل کرده (دستنوشته کلن، ۱۷، ۸ و بعد؛ ۷۳، ۵ و بعد)، اما به سبب پارگی و گسیختگی اوراق معلوم نیست که در دستنوشته کلن

→ الفهرست نام او به صورتی آمده که ظاهراً می‌توان آن را «الخسیج» خواند. از این جهت شاید «الخسیه» مناسب‌تر باشد، ولی در متون مانوی ایرانی، نام او به صورت Aīxasā آمده و معیار ما در این جا آن صورت از نام او بوده است. —

هم ذکرى از وحى بزرگ در دوازده سالگى مانى شده است يا نه. هم کفلايى قبطى (۱۴، ۳۱) و هم ابوريحان بيرونى از اين وحى بزرگ در پايان دوازده سالگى او ياد کرده اند. اين يادآور ميراثى يهودى (برمىصوه؛ سن بلوغ) و مسيحى (قس مسيح دوازده ساله در هيكل) است. رواياتى كه از اين وحى سخن گفته اند ظاهراً ريشه در اقوال خود مانى در شاپورگان دارند.

همزاد يا جفت آسمانى مانى را صراحتاً با فارقليط موعود يكي دانسته اند (مثلاً در کفلايا، ۱۴، ۳۲ و بعد؛ ۱۵، ۲۲ و بعد) و اين هم ممكن است مقتبس از رواياتى در كليساي مسيحى ارمانى بين النهرين باشد كه روح القدس را - كه در تعميل به كسى عطا مى شود - با فرشته نگهبان فرد يكي مى شمرده اند. مانى با نهادن لقب فارقليط (قس انجيل يوحنا، ۱۴، ۱۶) بر خود مى خواهد بگويد كه پيرو عيسى است. مع هذا مانويان او را صرفاً فارقليط ندانسته اند، بلكه بر آن رفته اند كه او خود عيسى جديد است (مثلاً در زبور مانوى، ۹، ۳-۷؛ ۱۲، ۲۸-۳۲ و جز اين ها). بنا بر اين عقیده، مانى در داورى نهايى هم داور است و هم فارقليط تسلى بخش (مثلاً زبور مانوى، ۲۰، ۱۹ و بعد). جدا از اين نسبت هاى اصالتاً يهودى و يهودى-مسيحى، چندين منبع ناقص و تكه تكه زندگى مانى نشان مى دهند كه مانى آگاهانه سعى در تقليد از پولس داشته است. لقب رايج او، «حوارى عيسى مسيح»، شاهدهى است روشن از اين تقليد يا تشبه به پولس (مثلاً *imitatio Pauli*؛ دستنوشته كلن، ۶۶، ۵-۴). نشانه ديگر ذكر همراه با تأكيد نام پولس است در شمار كسانى كه وحى حقيقى بر آنها نازل شده است (دستنوشته كلن، ۶۰-۶۲). اين چنين تمرکز بر پولس گنوسى شده - كه مرقيون و برديسان («بدعت گذار» سريانى مسيحى اهل رُها (۱۵۴-۲۲۲ م.) كه جز عقیده به لاهوت مسيح، احتمالاً به نوعى جبر نجومى نيز معتقد بوده) هم ظاهراً در به وجود آمدن آن دست داشته اند - سرانجام منجر به جدايى مانى از فرقه

دوران جوانی او شد. مانی پس از آن که «ندای» آسمانی را به توسط جفت یا «همراه» آسمانی خود شنید، ترک یار و دیار کرد: «من شنونده‌ای شکرگزارم از سرزمین بابل؛ بر زمین بابل زاده شده‌ام و بر دروازه حقیقت ایستاده‌ام؛ از زمین بابل آمده‌ام تا ندایی در جهان درافکنم» (قطعه M4 به دست آمده از ترفان).

مانی، بلافاصله پس از قبول رسالت، سفرهای تبلیغی خود را در ایران و بیرون آن آغاز کرد. در این سفرهای آغازین جز پدر و دو نفر دیگر از فرقه الحسائیه همراه دیگری نداشت، و ضمن آن که مبلغانی چون آدا را به ایالات غربی، یعنی روم، فرستاد، خود در سال ۲۴۱ میلادی با کشتی عازم هند شد و سپس از دره سند به سمت شمال رفت و روانه توران شد و آنجا توانست شاه را با خود همراه کند. کمی پس از بر تخت نشستن شاپور اول (۲۴۲-۲۷۳)، یعنی کمی پس از آن که شاپور تنها شاه ایران شد، مانی به بابل بازگشت و تنها نوشته خود به فارسی میانه، یعنی شاپورگان، را احتمالاً در همین اوان، در نهم آوریل ۲۴۳، تقدیم شاهنشاه کرد. سپس اجازه یافت که به حلقه ملازمان او درآید و دین تلفیقی جدید خود را تبلیغ کند. این دو راه را بر او گشود و فرصت‌های بسیار مساعدی برای او فراهم آورد. پس از مرگ شاپور، مانی همچنان از توجه پسر و جانشین او، هرمز اول (۲۷۲-۲۷۳)، برخوردار بود، اما در آغاز سال دوم سلطنت بهرام اول (۲۷۴/۲۷۷-۲۷۷) سایه حمایت دربار از او برگرفته شد؛ روحانی بزرگ، کردیر، که قصد داشت در دستگاه دینی زردشتی تحولی ایجاد کند، در شاهنشاه می‌دید که به مخالفت مانی برآید. مانی به دربار خوانده شد، او را به بند کشیدند و شکنجه کردند. بر اثر بند و زجر، مانی پس از بیست و شش روز در زندان درگذشت، احتمالاً در بیست و ششم فوریه ۲۷۷ میلادی. در چند منبع مانوی گفته‌اند که او را به صلیب کشیدند. اما مرگ

او سبب توقف دین او نشد و نظام عقیدتی گنوسی و عرفانی او، که با شرح و بسطی مناسب در شماری آثار او جمع آمده بود، خیلی زود از بین‌النهرین تا اقیانوس اطلس گسترش یافت و در اقصای شرق به اقیانوس آرام رسید.

منابع

- A. Adam, *Texte zum Manichäismus*, Berlin: De Gruyter, 19692 ♦ A. Henrichs & L. Koenen, "Ein griechischer Mani-Codex (P. Colon. inv. nr. 4780)", *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 5 (1970), 97-216 (first preliminary publication of the CMC) ♦ A. Böhlig, *Die Gnosis. Dritter Band: Der Manichäismus*, Zürich & München: Artemis Verlag, 1980 ♦ L. Koenen & C. Römer, *Der Kölner Mani-Kodex: Über das Werden seines Leibes. Kritische Edition aufgrund der von A. Henrichs und L. Koenen besorgten Erstedition*, Opladen: Westdeutscher Verlag, 1988 ♦ H.J. Klimkeit, *Gnosis on the Silk Road: Gnostic Texts from Central Asia*, San Francisco: Harper, 1993 ♦ C.E. Römer, *Manis frühe Missionsreisen nach der Kölner Manibigraphie: Textkritischer Kommentar und Erläuterungen zu p. 121-p. 192 des Kölner Mani-Kodex*, Opladen: Westdeutscher Verlag, 1994. ♦ Lit.: F. Decret, *Mani et la tradition manichéenne*, Éditions du Seuil: Paris 1974 ♦ O. Klíma, *Manis Zeit und Leben*, Prag: Verlag der Tschechoslowakischen Akademie der Wissenschaften, 1962 ♦ S.N.C. Lieu, *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval China*, Tübingen: Mohr, 1992 ♦ J. van Oort, "The Paraclete Mani as the Apostle of Jesus Christ and the Origins of a new Church", in: A. Hilhorst (ed.), *The Apostolic Age in Patristic Thought*, Leiden: Brill, 2004, 139-157 ♦ M. Tardieu, *Le manichéisme*, Paris: Presses Universitaires de France, 1981 (= 1997).

مانویت

۱. تاریخ مطالعات

مانویت دین گنوسی جهانی است که نامش را از مانی می‌گیرد. گرچه این پیامبر گنوسی صاحب مسلک خاص و این «حواری عیسی مسیح» در قرن سوم میلادی می‌زیست، تا پیش از قرن هجدهم دین او موضوع مطالعات جدی تاریخی و الهیاتی واقع نشده بود.

اصطلاح «مانویت» البته طی قرون متمادی در غرب تداول داشت، اما عمدتاً انگ نابجایی بود که بر هر عقیده مخالفی به قصد رد آن زده می‌شد. در قرون وسطی، استعمال لفظ در میان اهل دین و دولت رو به تزاید نهاد، ولو آن‌که عقیده‌ای که این نام را بر آن می‌نهادند هیچ ارتباطی با مانویت نداشت. چنین بود که منحرفان از عقاید اجتماعی و کلامی مرسوم معمولاً انگ مانوی بودن می‌خوردند؛ از جمله بی‌القه^۱، بوگومیل‌ها^۲ و مخصوصاً کاتارهای^۳ جنوب فرانسه و بعضی نواحی شمال ایتالیا. در قرن شانزدهم میلادی، لوتر و دیگر پروتستان‌ها همچون ماتیاس فلاکیوس ایلیریکوس^۴

1. Paulicians
3. Cathars

2. Bogomils
4. Matthias Flacius Illyricus

متهم به مانویت شدند و در این کار، جز اهل متعصب الهیات مسیحی، عالم صلح‌جویی چون اراسموس نیز مؤثر بود. به واسطه چنین اتهاماتی بود که مانی و دینش اول بار در محافل پروتستان‌ها موضوع مطالعات و تحقیقات شدند. کیریاکوس اسپانگنبرگ^۱ در دفاع از دوستش، ماتیاس فلاکیوس، تاریخ مختصری نوشت با نام *تاریخ مانویت*^۲ (اورسل، ۱۵۷۸). دیگر اثر قدیم و البته همچنان تا حدی نظری در تاریخ مانویت اثری بود از مؤلف بدنام مخالف مسیحیت، گتفرید آرنولد^۳، با نام *تاریخ فارغ از تعصب کلیسا و اهل بدعت*^۴ (فرانکفورت، ۱۶۹۹-۱۷۰۰). این آلمانی لوتری «اهل پرهیز» (Pietist)، به خلاف تمامی عقاید رایج، کوشید که بفهمد مانویت چیست و حتی آن را تبرئه و توجیه کند و مخصوصاً بر ستم‌هایی تأکید کرد که کاتولیک‌ها بر مانویان روا داشته بودند. اما نخستین تحقیق علمی و اساس همه تحقیقات آینده درباره مانویت نوشته‌ای بود از مؤلف پروتستان‌مذهب فرانسوی، ایساک دو بوسوبر^۵. تاریخ بزرگ او با نام *تاریخ انتقادی مانویان و مانویت*^۶ در دو مجلد بزرگ در قطع رحلی در سال‌های ۱۷۳۴ و ۱۷۳۹ در آمستردام انتشار یافت. اگرچه دواعی کلامی و دفاع از عقاید پروتستانی در کار دو بوسوبر هویدا بود (دو بوسوبر قصدش دفاع از اصلاح دینی بود و گاه حتی مانویت را دین پروتستانی پیش‌رس می‌شمرد)، تبعات بعدی بر بسیاری از تدقیق‌ها و تیزبینی‌های او استوار شدند. اصالت تحلیل‌های دو بوسوبر را می‌توان مثلاً در آنچه او درباره اهمیت *انجیل توما* (*انجیل توماس*) نزد مانویان گفته دریافت یا در آنچه درباره توجه مانویان به آثار و معارف اخنوخیی یهودی گفته است. ارزیابی درستِ تدقیقات

1. Cyriacus Spangenberg

2. *Historia Manichaeorum*

3. Gottfried Arnold

4. *Unparteyische Kirchen- und Ketzer-Historie*

5. Huguenot Isaac de Beausobre

6. *Histoire critique de Manichée et du Manichéisme*

و کشفیات ارجمند او تا پیش از کشفیات نجع حمادی و قمران ممکن نبود.

تا تقریباً یک قرن پس از انتشار اثر دو بوسوبر پیشرفت چندانی در مطالعات مانوی حاصل نشد و بررسی‌ها معمولاً چیزی نبود جز مجادلات ضد مانوی، تا این‌که در سال ۱۸۳۱ جانی تازه به مطالعات دمیده شد. در این زمان فردیناند کریستیان باور^۱، الهیدان توینگنی، کتاب خود با نام بررسی و شرح و بسط مجدد مانویت بر مبنای منابع^۲ را منتشر ساخت. راست است که باور اهمیت زیاده‌از حدی برای دین بودایی در شکل‌گیری دین مانی قائل شده و آن را یک عنصر اصلی در به وجود آمدن مانویت شمرده، اما کتاب او به واسطه تحلیل‌های موشکافانه اقوال آباء کلیسا، خاصه آگوستین، ارزشی ماندگار دارد. قرن نوزدهم میلادی جز این کتاب باور، شاهد انتشار منابع شرقی جدیدی هم بود که دانشمندانی چون فولگل، زاخاو، کسلر و پونیون به آن همت گماشتند.^۳ این آگاهی‌های تازه همراه با مواد و مطالبی که پیش‌تر به واسطه منابع یونانی و لاتینی شناخته شده بودند اساسی استوار ساختند برای مطالعات بعدی.

۲. منابع اصلی

مع‌هذا همه این تحقیقات بر موادی استوار بودند که عمدتاً از آثار دشمنان مانویت گردآوری شده بودند؛ اولاً آثار آباء کلیسا، چون آتاناسیوس^۴،

1. Ferdinand Christian Baur

2. *Das manichäische Religionssystem nach den Quellen neu untersucht und entwickelt*

3. G. Flügel, *Mani, seine Lehre und seine Schriften*, Leipzig 1862; *An-Nadim, Fihrist al-'Ulüm*, Leipzig 1871-72; E. Sachau, *Al-Birūnī, Chronologie orientalischer Völker*, Leipzig 1878; K. Kessler, *Mani, Forschungen über die manichäische Religion*, Berlin 1889; H. Pognon, *Inscriptions mandaites des coupes de Khouabtr*, Paris 1898.

4. Athanasius